

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

## تمام‌عیار و دائمی شدن زیارت

❁ قرآن را، زیارت عاشورا را، مناجات شعبانیه را، نماز شب را یک دفعه بخوان؛ ولی خوب بخوان! لازم نیست خیلی بخوانی. در خیلی خواندن، خطر عادت شدن و بی‌روح و بی‌توجه تکرار کردن وجود دارد.

اول راه، سالک الی الله و انسان مؤمن، از بیرون عمل را به خودش تحمیل می‌کند؛ خودش را وادار به انجام احکام الهی می‌کند. این اعمال از درون او نمی‌جوشد؛ این اعمال را از بیرون به خودش تحمیل می‌کند؛ خودش را وادار می‌کند که نماز بخوان! روزه بگیر! وادار می‌کند خمس بده! زکات بده! حج برو! جهاد کن! وادار می‌کند که دستورات شرع را انجام بده. نیمه اول راه این‌طوری است؛ انسان خودش را وادار می‌کند؛ لذا اگر می‌گویند ریاضت، اگر می‌گویند مجاهدت و تعبیری از این دست، اگر می‌گویند تکلیف، چون دارد خودش را وادار می‌کند و می‌داند که تکلیف یعنی چیزی که با کلفت، با سختی و کراهت انجام می‌شود. نیمه‌ی اول راه این‌طوری است؛ اما اگر این دستورات شرع را خوب انجام داد، تمام‌عیار انجام داد، کم‌کم در وجود او اثر می‌کند. وجود او کم‌کم سنخیت پیدا می‌کند. همان تعبیر اهلیت که جلسات قبل خدمتتان عرض کردم؛ می‌شود اهل نماز! اهل روزه، اهل جهاد، اهل حج! این غیر از آن است که به زور خودش را وادار می‌کرد؛ صاحب بود؛ اصحاب نماز بود؛ حالا شد اهل نماز! باید این‌طوری شد! راهش هم این است که انسان عمل را خوب انجام دهد. آنهایی که در نیمه اول راه افراطی هستند، زیاد انجام می‌دهند، همان‌طور که جلسه‌ی قبل مفصل گفتیم، کیفیت کارشان پایین می‌آید و به همین دلیل اثربخشی کار پایین می‌آید. این عبادت را انجام می‌دادی که اثری برای تو

داشته باشد، اگر بی اثر انجام دهی، به چه درد می خورد؟! لذا در نیمه اول راه مواظب باش در انجام عمل افراط نکنی، متعادل عمل کن! کم عمل کن؛ اما سعی کن تمام عیار به جا بیاوری. اگر این کار را کردی، کم کم وجودت اهلیت پیدا می کند؛ اهلیت که پیدا کرد، دیگر لازم نیست خودت را وادار کنی؛ این رفتاری طبیعی است که از درون تو سر می زند.

اوائل امر نفس بر ما حاکم است. رفتارهای طبیعی ما رفتارهای نفسانی است؛ ولی وقتی که نفس رفت و خدا حاکم شد، دیگر رفتارهای عادی و طبیعی ما بدون هرگونه زوری که بزنیم، تقلایی که بکنیم، کلنجاری که با خودمان برویم، رفتارهای عادی و طبیعی مان می شود همین احکام شرع! می شود دستورات دین! لذا آن موقع بدون زحمت، عمل خیلی زیادی هم ممکن است از انسان سریزند؛ مثل عبادات فراوانی که امیرالمؤمنین علیه السلام داشتند؛ مناجات ها و عبادت های فراوانی که امام سجّاد علیه السلام داشتند و سایر ائمه علیهم السلام. این به آن خاطر است که از درونشان می جوشید؛ از درون که می جوشید دائمی شد. در عبارت بعدی هم به همین دائمی بودن اشاره شده است.

🌸 زیارتت، نمازت، ذکر و عبادتت را تا زیارت بعد، ذکر بعد و عبادت بعد حفظ کن.

یعنی نگذار خراب شود.

🌸 کار بد، حرف بد، دعوا و جدال و... نکن و آن را سالم به بعدی برسان.

نماز صبح را خواندی، این را سالم حفظ کن و به نماز ظهر برسان. نماز ظهر را خواندی، سالم برسان به نماز عصر، نماز عصر را سالم برسان به نماز مغرب و عشاء. رفتی زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام و برگشتی؛ نگذار این خراب شود! تا زیارت بعدی این را حفظش کن. هر عمل عبادی که انجام می دهی، همین طور؛ چون هر عمل عبادی آثاری دارد؛ منتهی ما از این طرف عمل را انجام می دهیم، از آن طرف هم ضدش را انجام می دهیم؛ لذا عمل را از بین می برد؛ مثل اینکه انجام نداده ایم.

یادتان است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آثار یک سری اذکار را برای اصحاب بیان می کردند، فرمودند: اگر کسی این ذکر را بگوید خدا یک چنین باغ هایی در بهشت برایش آماده می کند. یکی از اصحاب خیلی ذوق زده شد، گفت: یا رسول الله اگر این طور است که ما الان چقدر باغ در بهشت داریم! چون تا حالا

خیلی از این ذکرها گفته‌ایم. حضرت فرمودند: درست است؛ به شرط اینکه آتشی نفرستاده باشید که همه‌ی آنها را بسوزاند و از بین ببرد!

این مهم است که انسان آتشی نفرستد که همه‌ی آنها را از بین ببرد! اگر مراقب باشد، این عبادات را به هم وصل کند، چه می‌شود؟

اگر این کار را بکنی، دائمی می‌شود. دائم در زیارت و نماز و ذکر و عبادت خواهی بود.

دائمی می‌شود؛ همیشگی می‌شود. گفت:

خوشا آنان که دائم در نمازند به حمد و قل هو الله کارشان بی

قرآن فرمود: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»<sup>۱</sup> خوب این چطور می‌شود؟ یعنی من دائماً بایستم و رکوع و سجده بروم؟! مقصود این است؟ در بیست و چهار ساعت کار دیگری نکنم؟ دنبال کسب و کار نروم؟ دنبال خدمت به خلق نروم؟ دنبال فعالیت‌های اجتماعی نروم؟ نه! معنی‌اش این نیست! بلکه این حقیقت نماز در جان او دائماً در جریان است، چرا؟ چون نمازهایش را نگذاشت خراب شود؛ این نماز را به نماز بعد، نماز بعد را به نمازهای بعدی، این حج را به حج بعد، این عمره را به عمره‌ی بعد، این زیارت را به زیارت بعد، این عبادت را به عبادت بعد... سالم رساند! سالم رساند؛ لذا اینها وقتی به هم رسیدند آن اثر تحوّل بخش را در وجود او ایجاد کردند.

پس ان شاء الله مراقب باشیم! این زحمتی را که اول کار هست، متأسفانه اول کار باید گفت تکلیف، خود قرآن هم فرمود: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»<sup>۲</sup>، این مال اول راه است، می‌گویند تکلیف! تکلیف یعنی چیزی که با کلفت و با زحمت، با تلخی انجام می‌شود؛ با سختی انجام می‌شود؛ حالا اوائل راه همین است؛ ولی لا اقل این زحمتی را که متحمل می‌شویم، کاری کنیم دستاوردش به باد نرود. بین عبادت‌هایمان، بین اطاعت‌هایمان خدای ناکرده معصیتی نیاید که آن را خنثی کند و باز در عبادت

---

۱. سوره‌ی معارج، آیه‌ی ۲۳.

۲. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۸۶.

بعدی در همان نقطه‌ی صفر باشیم. با هر عبادتی مثلاً چهار پله بالا بیاییم، بعد از آن عبادت، با معصیتی که می‌کنیم دوباره به پله‌ی صفر برگردیم؛ باز عبادت بعد ما را برساند به همان چهار پله، باز برگردیم به پله‌ی صفر و تا آخر عمرمان درجا می‌زنیم! خدا به همه‌ی ما کمک کند که اعمال عبادی که انجام می‌دهیم را سالم حفظ کنیم. این همه زحمت می‌کشیم، نتیجه‌اش را بر باد ندهیم. بگذاریم میوه بدهد، نتیجه بدهد. چرا این همه نماز خواندیم و به معراج راه پیدا نکردیم؟ به قرب الهی راه پیدا نکردیم؟ مگر نداریم «الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ»<sup>۳</sup>؟ مگر نداریم «الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ»<sup>۴</sup>؟ مگر «الْمُصَلِّي مُنَاجِ رَبِّهِ»<sup>۵</sup> نداریم؟ و امثال این جور تعابیر که فراوان است. خوب چرا؟ یک عمری است ما داریم نماز می‌خوانیم؛ کو ثمره‌اش؟ کجاست معراجی که من رفتیم؟ کجاست قربی که پیدا کردم؟ کجاست نجوا و گفتگوی محرمانه و خصوصی که با خدا پیدا کردم؟ ان‌شاءالله خدا کمک کند زحمات خود را بر باد ندهیم. البته گفتم اول کار کمی زحمت دارد. بعدها تغییر می‌کند؛ ولی اول کار زحمت دارد. کمی این زحمت را بپذیریم. حالا که زحمت انجام آن کار را عهده‌دار شدیم، زحمت محفوظ نگه داشتنش را هم پذیرا باشیم که به نتایج ناشی از انجام آن عبادت و عمل ان‌شاءالله راه پیدا کنیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۳. قمی، سفینه‌البحار، ج ۲، ص ۲۶۸ و کبیرمدنی شیرازی، الطرازالاول، ج ۴، ص ۱۵۸.

۴. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۶۵ و حرعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۴، ص ۴۳ و مجلسی، بحار، ج ۷۹، ص ۳۰۷.

۵. منسوب به امام صادق (ع)، مصباح‌الشریعة، ص ۱۱۱.